

الگوی قرآنی مبارزه سیاسی در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)

ابراهیم کلانتری^۱

دانشیار گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۸ - تاریخ تصویب: ۹۵/۴/۲۱)

چکیده

در تحلیل همه‌جانبه انقلاب اسلامی ایران، بررسی مؤلفه‌ها و ارکان اساسی انقلاب که یکی از مهم‌ترین آنها رهبری امام خمینی (ره) و الگوی مبارزاتی وی است، اهمیت فراوانی دارد. در این خصوص پرسش اصلی این است که به‌کارگیری کدام الگوی مبارزاتی موجب شد که امام خمینی (ره) در قامت یک رهبر سیاسی نهضت اسلامی را به‌درستی و دقت در مسیر اصلی خود پیش ببرد و به سرمنزل پیروزی برساند؟ نگارنده در این تحقیق با مراجعه به پاره‌ای منابع مرتبط و آیاتی از قرآن کریم و با روش استنادی، تحلیلی و تطبیقی به تشریح چگونگی روش مبارزاتی امام خمینی (ره) پرداخته و به این نتیجه رسیده است که شیوه مبارزاتی ایشان منطبق بر الگویی است که قرآن کریم مؤمنان را بدان فراخوانده است. در این الگو، مبارزه ماهیت «قیام‌الله» دارد و از پنج ویژگی ۱. تکلیف‌گرایی، ۲. اسلام‌محوری، ۳. توأم با آگاهی و شناخت، ۴. مردمی بودن و ۵. سازماندهی و نظام‌مندی، برخوردار است. مبارزه با چنین ویژگی‌هایی فقط با تکیه بر آموزه‌های قرآن کریم و اسلام ناب به سامان می‌رسد و هیچ‌گاه شکست در آن راه ندارد.

واژگان کلیدی

الگوی قرآنی، امام خمینی (ره)، اندیشه نظری، انقلاب اسلامی، سیره عملی.

درآمد

در تاریخ مبارزات سیاسی ملل مسلمان خیزش‌ها و نهضت‌های متعددی دیده می‌شود که هر کدام در جای خود به کالبدشکافی و تحلیل دقیق ریشه‌ها، عوامل، نتایج و سرانجام نهایی نیاز دارد. در این میان تحلیل همه‌جانبه انقلاب اسلامی مردم ایران که به پیروزی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و تأسیس نظام نوین جمهوری اسلامی ایران منتهی شد، از آن جهت که بسیاری از معادلات سیاسی حاکم بر جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه را به‌کلی متحول ساخت و گفتمان جدیدی را در عرصه سیاسی پیش روی اندیشمندان جهان قرار داد، اهمیت بسیاری دارد. بی‌گمان در تحلیل همه‌جانبه انقلاب اسلامی بررسی ارکان اساسی انقلاب که یکی از مهم‌ترین آنها رهبری امام خمینی (ره) و الگوی مبارزاتی وی است، اهمیت فراوانی دارد. در این خصوص پرسش اصلی این است که به‌کارگیری کدام الگوی مبارزاتی موجب شد که امام خمینی (ره) بتواند نهضت اسلامی را به‌درستی و دقت در مسیر اصلی خود پیش ببرد و به سرمنزل پیروزی برساند؟

پاسخ دقیق به این پرسش اساسی افزون‌بر اینکه زمینه شناخت وجوه تمایز انقلاب اسلامی از سایر خیزش‌ها و نهضت‌های اسلامی سده‌های اخیر را فراهم می‌سازد، الگویی [=مدل] کامل، کارآمد و مشروع برای مبارزه مؤثر در اختیار رهبران و ملت‌های تحت ستم قرار می‌دهد. این نوشتار که تحت عنوان «الگوی قرآنی مبارزه سیاسی در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)» به سامان می‌رسد، درصدد است با مراجعه به آثار و منابع مرتبط به‌ویژه آثار قلمی و کلامی امام خمینی (ره) و آیاتی از قرآن کریم و با روش استنادی، تحلیلی و تطبیقی به تشریح چگونگی روش مبارزاتی امام خمینی (ره) بپردازد و با صورت‌بندی نظری آن، الگویی قرآنی از مبارزه سیاسی که در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره) تبلور یافته است، ارائه کند.

مروری بر ادوار تاریخی زندگی امام خمینی (ره)

به‌منظور دستیابی دقیق به جایگاه این تحقیق در منظومه جامع شخصی و شخصیتی امام خمینی (ره)، لازم است پیش از ورود به مسئله اصلی ادوار تاریخی زندگی وی مرور شود. به‌نظر می‌رسد زندگی امام خمینی (ره) را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد و به بررسی گذاشت:

۱. دوره کودکی و نوجوانی؛ این دوره از تولد ایشان (یکم مهرماه ۱۲۸۱ش) آغاز و تا سال ۱۲۹۸ش، که برای ادامه تحصیل به اراک هجرت می‌کنند، ادامه می‌یابد.

این دوره مصادف با سال‌های پایانی حاکمیت سلسله قاجار بر ایران و ضعف دولت مرکزی است که بسیاری از مناطق ایران صحنه تهاجم و درگیری اشرار و خوانین و ناامنی بوده است. در این دوره امام خمینی (ره) در زادگاه خود خمین از توابع استان مرکزی، علاوه بر فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن و قرائت قرآن و علوم مقدماتی حوزه‌های دینی (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۶)، در برخی مسائل اجتماعی نیز حضور فعال داشته است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۱۲ و ۱۳، ۲۵۹ و ۳۷۴).

۲. دوره تحصیل و تدریس؛ این دوره از سال ۱۲۹۸ ش که ایشان برای ادامه تحصیل به اراک هجرت کردند، آغاز می‌شود و تا پایان سال ۱۳۳۹ ش استمرار می‌یابد. با هجرت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی از اراک به قم در سال ۱۳۰۱، امام خمینی (ره) نیز به فاصله اندکی به قم هجرت کردند (انصاری، همان: ۱۷) و دوره پربرکتی از تحصیل و تدریس علوم گوناگون دینی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق و همچنین نجوم، ریاضیات و هندسه در زندگی وی پدید می‌آید (رجبی، ۱۳۷۷: ۱۱۳). در همین دوره نسبتاً طولانی افزون‌بر تحصیل و تدریس، آثار علمی گرانسنگی در حوزه‌های عرفانی، اخلاقی، سیاسی، اصولی و فقهی توسط ایشان تدوین و بعضاً منتشر می‌شود (روحانی، بی‌تا، دفتر اول: ۷۳ و ۷۴). این دوره را می‌توان دوره شکل‌گیری، ثبات و استحکام شخصیت علمی و اجتماعی ممتاز امام خمینی (ره) به‌عنوان مجتهد آگاه به زمان، دردمند، شجاع و متعهد و ملتزم به اسلام ناب، دانست.

۳. دوره مرجعیت دینی؛ این دوره از فروردین ۱۳۴۰، با رحلت آیت‌الله بروجردی آغاز می‌شود و تا پایان عمر امام خمینی (ره) ادامه می‌یابد. در گزارشی که مقامات امنیتی رژیم شاه در آغاز تأسیس ساواک، در تاریخ ۱۳۳۵/۱۲/۲۲ درباره حوزه علمیه قم و استادان برجسته آن تهیه کرده‌اند، امام خمینی (ره) در شمار مراجع برجسته پس از آیت‌الله بروجردی معرفی شده که شمار شاگردان درس وی حدود ۵۰۰ نفر است و مقلدانی در ایالات مرکزی و غرب ایران دارد (همان: ۷۶). با رحلت آیت‌الله بروجردی و طرح مسئله مرجعیت پس از ایشان، نام امام خمینی (ره) نیز در میان مراجع تقلید به‌صورت جدی مطرح می‌شود. با وجود تخریب‌ها، دروغ‌پردازی‌ها و مانع‌تراشی‌های بسیاری که رژیم شاه و دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و تبلیغاتی آن علیه امام خمینی (ره) انجام می‌دهند، مرجعیت رسمی امام خمینی (ره) از همین زمان در حوزه علمیه قم و سپس در میان توده‌های مردمی آغاز می‌شود (همان: ۷۷ و ۷۸). با اوج‌گیری مبارزات مردم ایران در سال ۱۳۵۶، مرجعیت عام امام خمینی (ره) صورت عینی می‌یابد و از همین رهگذر روند مبارزات سرعت می‌گیرد و نیل به پیروزی انقلاب اسلامی هموارتر می‌شود.

۴. دوره مبارزه سیاسی؛ این دوره به‌صورت آشکار از مهرماه ۱۳۴۱ با تلگرام امام خمینی (ره) به محمدرضا پهلوی در اعتراض به تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی (مصوب

۱۴ مهرماه ۱۳۴۱ دولت علم)، آغاز می‌شود و تا ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، روز برچیده شدن نظام سلطنتی و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، استمرار می‌یابد.

مطالعه آثار و نگاشته‌های امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که مبارزه وی با مظاهر طاغوت و حاکمیت نظام سلطنتی به سال‌ها پیش از دوره مذکور بازمی‌گردد؛ زیرا او کسی بود که از طاغوت زخم خورده، در عنفوان طفولیت پدر خود را بر اثر مظالم طاغوتیان از دست داده بود و روحیه مبارزه در وجود ایشان تشدید و در آثاری همچون کتاب کشف اسرار [=تألیف ۱۳۲۲ شمسی] منعکس شده بود؛ با وجود این مبارزه سیاسی مستقیم و رویاروی وی با دولت و نظام سلطنتی از مهرماه ۱۳۴۱ با صدور تلگرام مذکور آغاز شده و بی‌وقفه تا پیروزی انقلاب اسلامی استمرار یافته است.

۵. دوره رهبری نظام اسلامی؛ این دوره از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و تا ۱۴ خردادماه ۱۳۶۸ با رحلت ملکوتی امام خمینی (ره) استمرار یافته است. اگرچه رهبری مبارزات سیاسی مردم توسط امام خمینی (ره) در نهضت اسلامی با شروع مبارزه رسمی آن حضرت از سال ۱۳۴۱ تا پیروزی انقلاب اسلامی، حقیقتی انکارناپذیر است، نگارنده به دلیل اهمیت نقش‌آفرینی بی‌بدیل امام خمینی (ره) در به بار نشاندن انقلاب اسلامی در قالب نظام سیاسی بدیع جمهوری اسلامی، تعریف و ایجاد ساختارها و نهادهای سیاسی مربوط و از جمله قانون اساسی و قوای حاکمیتی و رسمیت یافتن جایگاه سیاسی رهبری در رأس هرم سیاسی نظام اسلامی و همچنین ارائه الگویی عملی از رهبری سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه توسط آن حضرت، دوره رهبری امام خمینی (ره) را در این دوره سرنوشت‌ساز برجسته ساخته است.

از ادوار پنج‌گانه مذکور، در این نوشتار بر دوره چهارم (دوره مبارزه سیاسی) تمرکز می‌شود که روش تطبیق بر آیات قرآن کریم، الگویی از مبارزه سیاسی منطبق بر آموزه‌های وحیانی که از اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی قابل استنتاج است، ارائه خواهد شد.

ماهیت مبارزه سیاسی در نگاه امام خمینی (ره)

مبارزه در نگاه امام خمینی (ره) ماهیت ویژه‌ای دارد که در لسان قرآن کریم از آن به «قیام‌الله» تعبیر شده است. امام خمینی (ره) در پیام مکتوبی به تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ که می‌توان آن را یکی از تاریخی‌ترین اسناد مبارزاتی وی به‌شمار آورد و هم‌اکنون اصل نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱)، به تشریح گویای این ماهیت ویژه پرداخته‌اند. وی در این سند مهم با تکیه بر آیه شریفه: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْنَى وَفُرَادَى» (سبأ: ۴۶) «قیام‌الله» را یگانه شیوه راستین مبارزه دانسته که خالق هستی از پیامبر

خویش خواسته است که همه مؤمنان را به آن فراخواند (همان). «قیام الله» مفهوم گرانسنگی است که در درون خود هم حرکت، هم جهت، هم هدف و هم شیوه را به صورت یکجا در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و در همه این جهات هر گونه ناخالصی و انحرافی را می‌زداید.

توضیح آنکه «قیام الله» به صراحت مفهوم حرکت و پویایی را که در مقابل سکون و ایستایی است، به مخاطب القا می‌کند، بدین معنا که اصلاح فرد و جامعه انسانی جز از مسیر به‌پاخاستن انسان و عزم و اراده و حرکت او ممکن نیست؛ با وجود این چنین حرکتی آنگاه مقدس و ارزشمند است که فقط برای خداوند باشد و در آن هیچ انگیزه غیرالهی اعم از مادی و غیرمادی حضور نداشته باشد. بی‌گمان حرکت و قیامی که فقط برای خداوند باشد، نمی‌تواند هدفی جز قرب به خداوند (در حوزه اصلاح فرد) و نیل به جامعه توحیدی (در حوزه اصلاح جامعه) را دنبال کند؛ چنانکه چنین حرکتی نمی‌تواند از شیوه‌ای جز آنچه خداوند بزرگ در لسان وحی، پیامبر اکرم (ص) و اوصیای پاکش (ع) تشریح کرده است، فراتر رود.

در نگاه امام خمینی (ره) حرکت اصلاحی پیامبران الهی همچون ابراهیم (ع)، موسی (ع) و محمد (ص) همگی ماهیت «قیام الله» داشته‌اند و همین ماهیت الهی بوده است که آنان را بدون برخوردار از امکانات مادی بر نمرودها و فرعون‌ها و مشرکان کینه‌توز عصر خویش پیروز ساخته است (همان).

به‌منظور روشن‌تر شدن مفهوم گرانسنگ «قیام الله»، امام خمینی (ره) به تشریح نقطه مقابل آن پرداخته و «خودخواهی» و «ترک قیام الله» یا «قیام برای منافع شخصی»، «قیام برای نفس»، «قیام برای شخص»، «قیام برای نفس اماره» و «قیام برای خود» را همگی در تضاد کامل با «قیام الله» و از اقسام انفعال‌های باطل دانسته‌اند. امام خمینی (ره) در تشریح بیشتر این مفاهیم به برشمردن مصادیق مصیبت‌بار آنها پرداخته و مصیبت‌ها، اختلاف‌ها، انحراف‌ها و ضعف و اضمحلال جهان اسلام و کشور ایران را معلول بی‌توجهی به «قیام الله» یا معلول قیام‌های باطل و برخاسته از منافع شخصی، هواهای نفسانی و دعوت به نفس دانسته‌اند (همان: ۲۲).

«قیام الله» در نگاه امام خمینی (ره)، هم عرصه حیات فردی انسان را شامل می‌شود و هم عرصه حیات اجتماعی او را؛ بدین معنا که اصلاح فرد از رذایل و انحرافات اخلاقی فقط با قیام الله امکان‌پذیر می‌شود، چنانکه اصلاح جامعه از مفاسد و انحرافات اجتماعی، استبداد و بردگی طواغیت نیز فقط با قیام الله به انجام می‌رسد (همان). بی‌گمان برای گام نهادن در چنین عرصه‌های خطیری شرط نخست بریدن کامل از حب دنیا و خالص شدن برای خداوند است (خمینی، ۱۳۷۴: ۶۲). بر این اساس عالم سوء، عالم متوجه دنیا و عالمی که در سودای مسند و ریاست است، هرگز نمی‌تواند گام به عرصه مبارزه بگذارد (همان: ۶۱).

مبارزه با ماهیت قیام الله که مفهومی برگرفته از قرآن کریم است، در نگاه و عمل امام خمینی (ره) ویژگی‌هایی دارد که اگر به درستی شناخته و تجزیه و تحلیل شوند، الگویی قرآنی از مبارزه را در اختیار می‌گذارد که در حوزه اندیشه‌های سیاسی دنیا می‌تواند الگوی ممتازی به‌شمار آید. ویژگی‌های ذیل مهم‌ترین ویژگی‌های مبارزه سیاسی با چنین ماهیتی است که می‌توان از اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره) استحصال کرد.

۱. تکلیف‌گرایی

تکلیف‌گرایی و عمل براساس تکلیف و وظیفه شرعی و حتی تغییر رفتار به دلیل تغییر وظیفه، جایگاه مهمی در فهم اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی (ره) دارد (لکزایی، ۱۳۹۴: ۲۰۳). در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مبارزه آنگاه مشروع است که در شمار تکالیف الهی قرار گیرد و مؤمنان از ناحیه خداوند بدان مکلف شده باشند، در غیر این صورت مبارزه نمی‌تواند ماهیت قیام الله داشته باشد و در نتیجه مشروع به‌شمار نمی‌آید. بر همین اساس امام به صراحت اعلام می‌کند که: «مبارزه باید توأم با تربیت صحیح و توجه به معنویات و عمل به احکام اسلام باشد» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۰۳). مبنای این اندیشه بنیادی این است که در مبارزه سیاسی بی‌گمان اموال، نفوس [=جان‌ها] و اعراض [=آبروها] انسان در مخاطره قرار می‌گیرد و در نگاه اسلام این امور از چنان ارزش و اهمیتی برخوردارند که به مخاطره افکندن آنها در هر شرایطی محتاج اذن و تشریح الهی است؛ آنگاه که مبارزه در شمار تکالیف الهی قرار گیرد، معنایش این است که چنین اذن و تشریحی از ناحیه خداوند صادر شده است.

در نگاه امام مبارزه با رژیم شاهنشاهی به چند دلیل در شمار تکالیف الهی قرار دارد؛ نخست اینکه رژیم شاهنشاهی مصداق بارز حکومت طاغوت است و اسلام مبارزه با حکومت طاغوت را واجب شمرده است (همان، ج ۵: ۲۳۵). مبنای قرآنی این نگاه آیاتی است که روشن‌ترین آنها بدین قرار است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶) «و به یقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا به آنان اعلام کند] که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید. طاغوت به هر طغیانگری اطلاق می‌گردد که از حدود الهی تجاوز کرده که مراد همان حاکمان جور می‌باشد» (حسینی شیرازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۹۹). برخی مفسران در بیان معنای طاغوت آن را به «مَنْ يَحْكُمُ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ؛ هر کس که به غیر آنچه خداوند نازل کرده حکم می‌کند» (شیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱: ۱۱۸)، تفسیر کرده‌اند. قرآن کریم در آیه‌ای دیگر (نساء: ۶۰) مؤمنان را به کفر به طاغوت مکلف ساخته است و کفر به طاغوت فقط در حوزه مسائل و روابط فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه مسائل و روابط اجتماعی مؤمنان را نیز

دربرمی‌گیرد. از این رو مؤمنان هرگز مجاز نیستند در اداره امور جامعه دینی، طاغوت را مرجع و تکیه‌گاه خود قرار دهند، بلکه در این حوزه نیز باید به طاغوت کفر ورزند (کلانتری، ۱۳۹۴: ۱۷۱).

دوم اینکه، رژیم شاهنشاهی و سردمداران آن انواع ظلم را بر مردم روا می‌دارند و مبارزه با چنین ظلم‌هایی در شمار تکالیف الهی است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۳۰۶). امام خمینی (ره) به صراحت اعلام می‌کند: «ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی، که با ظلم مقابله کنیم» (همان: ۳۲۲). مبنای قرآنی این دلیل آیاتی است که از جمله آنها این آیه است: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» و به کسانی که ستم کردند تکیه نکنید، که آتش [دوزخ] شما را فرا خواهد گرفت درحالی‌که جز خدا هیچ سرپرستی نخواهید داشت، سپس یاری نخواهید شد» (هود: ۱۱۳). «الَّذِينَ ظَلَمُوا» اگرچه مصادیق گوناگونی دارد و ظلم به نفس، ظلم به دیگران و ظلم به خداوند را دربرمی‌گیرد، مصداق بارز آن، کسانی هستند که از سر عمد و آگاهی دست به ظلم و فساد در میان بندگان خدا زده‌اند و جامعه را از مسیر مستقیم بندگی خدا به انحراف و عصیان کشانده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۱۵ - ۳۱۲). قرآن کریم در آیه‌ای دیگر بر این مطلب تصریح می‌کند که خداوند هرگز مسئولیتی همچون امامت و پیشوایی امت را که عهدی الهی است، به ظالمان نخواهد داد (بقره: ۱۲۴). براساس این آیات، حاکمیت ظالمان مشروعیت ندارد و مؤمنان نیز نه فقط مجاز به تمکین از چنین حاکمیتی نیستند، که باید با آن مقابله کنند.

سوم اینکه، رژیم پهلوی به علت وابستگی همه‌جانبه به قدرتهای استکباری درصدد ایجاد و تحکیم سلطه استکباری کفار بر جامعه اسلامی بود و چنین سلطه‌ای در نگاه اسلام مردود است و باید با آن مبارزه شود. امام خمینی (ره) در این خصوص با صراحت می‌گوید: «اگر ملت ایران علیه تسلط اجانب مبارزه می‌کند باز هم از اسلام دستور می‌گیرد؛ زیرا مردم مسلمان حق ندارند که غیر مسلمین را در امور خود دخالت بدهند که مسلط بر سرنوشت آنان شوند» (همان، ج ۵: ۲۳۵ و ۲۳۶). قرآن کریم در زمینه سلطه کافران بر مؤمنان می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان سلطه‌ای قرار نداده است» (نساء: ۱۴۱). قرآن از سوی دیگر از مؤمنان می‌خواهد که هرگز اجازه ندهند کافران بر آنان سلطه یابند (نساء: ۱۴۴؛ آل عمران: ۲۸).

چهارم اینکه، حاکمیت طاغوت بر جامعه انسانی به فساد و تباهی و بردگی شهروندان و رخت بر بستن ایمان و فضایل و ارزش‌های اخلاقی از جامعه می‌انجامد و مبارزه با چنین پیامدهای سویی از وظایف دینی مؤمنان راستین است (خمینی، ۱۳۹۰: ۳۵). قرآن کریم در داستان مبارزه موسی با فرعون، مشروعیت و ضرورت چنین مبارزه‌ای را افسادگری فرعون در جامعه دانسته، می‌فرماید: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا آلِهَةً شَيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ

أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمَفْسِدِينَ؛ همانا فرعون در زمین گردن‌کشی کرده و میان شهروندان تفرقه افکنده، گروهی را سخت ضعیف کرده پسرانشان را می‌کشد و زنانشان را زنده نگه می‌دارد، حقیقت این است که فرعون از مفسدان است» (قصص: ۴).

امام خمینی (ره) در بیان ضرورت مبارزه با رژیم پهلوی، در بخشی از سخنانشان به این آیه استناد کرده، می‌گوید: «شرایط اجتماعی‌ای که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید. این همان فساد فی‌الارض است ... این همان فساد است که فرعون با سیاست خود در کشور مصر به‌وجود آورد، و «إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمَفْسِدِينَ ...» (همان: ۳۵).

و پنجم اینکه رژیم پهلوی با نقشه‌های خود درصدد تضعیف و سپس برچیدن اساس اسلام از کشور بوده و مبارزه با چنین نقشه‌های شومی از تکالیف الهی است. امام خمینی (ره) به‌صراحت اعلام می‌کند که دستگاه جبار پهلوی با حذف شرط مسلمان بودن از انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده (در تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی)، خواب‌های خطرناکی برای اسلام دیده است. ما صدای شیطانی آنها را در گوشه و کنار مملکت بارها شنیده‌ایم که گاهی به‌صراحت و گاهی تلویحاً مزمزه می‌کنند که ما اسلام را نمی‌خواهیم (همان، ج ۱: ۱۶). من به حکم اسلام که به ما دستور جهاد و مقابله داده است، در برابر خیانت به اسلام دست روی دست نمی‌گذارم و ساکت نمی‌نشینم (همان: ۱۶۲). از آنجا که رژیم در این حرکت شیطانی، اصل اسلام را نشانه رفته است، امام خمینی (ره) اعلام می‌کند در این مقابله سهمگین در صورت نیاز همه هستی خود را نثار خواهیم کرد (همان، ج ۱۷: ۳۱۳ و ۳۱۴). مبنای قرآنی مبارزه با افراد، گروه‌ها و دستگاه‌هایی که درصدد برچیدن اسلام هستند، آیات متعددی است که مسلمانان را به جهاد فی سبیل‌الله با نثار جان و مال مکلف کرده‌اند (توبه: ۴۱ و ۷۳؛ مائده: ۳۵؛ تحریم: ۹ و آیات دیگر).

جهات پنج‌گانه بالا اصلی‌ترین جهاتی است که در نگاه امام خمینی (ره) مبارزه با رژیم پهلوی را در شمار تکالیف الهی مؤمنان قرار داده است. امام خمینی (ره) با تکیه بر همین جهات بر این مطلب نیز تصریح می‌ورزند که حاکمیت رژیم پهلوی به ظهور و بروز مشکلات بزرگ و جان‌فرسایی برای عموم شهروندان و کشور منتهی شده است که با نصیحت، مبارزه منفی یا تبلیغات نمی‌توان به حل و فصل آنها پرداخت و عملاً راه‌حلی جز مبارزه مستقیم و ایثار خون به‌عنوان تکلیف الهی باقی نمانده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۷۹). این ویژگی اصلی‌ترین نقطه تمایز مشی مبارزاتی امام خمینی (ره) است، از این‌رو می‌توان گفت او خود در مبارزه با رژیم پهلوی در اراده الهی و تکلیف شرعی محو شده بود و هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح نبود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۳).

۲. اسلام محوری

در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)، مبارزه مشروع مبارزه‌ای است که هم محتوای خود را از اسلام می‌گیرد، هم در روش‌ها تابع اسلام است و هم هدفی جز حاکمیت اسلام را آرمان نهایی خود قرار نمی‌دهد. از مباحث پیشین این نکته روشن به دست آمد که مبارزه مستقیم با رژیم استبدادی پهلوی همان مبارزه با حاکمیت طاغوت، مبارزه با ظلم، مبارزه با سلطه کفار، مبارزه با فساد فی‌الارض و مبارزه با اسلام‌زدایی است و در آن هیچ خصومت یا نفع شخصی مورد توجه نخواهد بود.

بی‌گمان مبارزه با چنین محتوایی آنگاه که از سرانجام تکلیف الهی به سامان می‌رسد، چیزی جز عمل به آموزه‌های اصیل اسلام نخواهد بود. از آنجا که براساس اعلام صریح قرآن، اسلام دین کامل الهی برای عصر خاتم است (مانده: ۳) و پذیرش هر دینی جز اسلام مقبول خداوند نخواهد بود: «وَمَنْ يَتَّبِعْ عَيْرَ الْأَسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل‌عمران: ۸۵)، معتقدان به اسلام نمی‌توانند در مبارزه سیاسی محتوایی را جز آنچه در آموزه‌های اصیل اسلام به آن تصریح شده است، مورد توجه قرار دهند. براساس همین باور بنیادین، امام خمینی (ره) در نخستین گام‌های مبارزه با رژیم پهلوی به صراحت اعلام می‌کند: «ماییم و قانون اسلام، علمای اسلامند و قرآن کریم، علمای اسلامند و احادیث نبوی، علمای اسلامند و احادیث ائمه اسلام، هرچه موافق دین و قوانین اسلام باشد ما با کمال تواضع گردن می‌نهمیم و هرچه مخالف دین و قرآن باشد - ولو قانون اساسی باشد ولو الزامات بین‌المللی باشد - ما با آن مخالفیم» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۶).

در اندیشه نظری امام خمینی (ره)، افزون‌بر محتوای اسلامی مبارزه، روش‌های مبارزه نیز باید مبتنی بر اسلام باشد، زیرا در آموزه‌های اسلامی برای همه امور حدود و مرزهایی ترسیم شده است که انسان مسلمان مجاز به شکستن و زیر پا گذاشتن آن حدود نیست. قرآن کریم می‌فرماید: «تلك حدود الله فلا تعتدوها وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَاولئك هم الظالمون»؛ این حدود دین خداست از آنها تجاوز نکنید آنان که از حدود خدا تجاوز کنند به حقیقت ستمکاران‌اند» (بقره: ۲۲۹). قرآن در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ يَعصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَاراً خَالِداً فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مهينٌ»؛ هر کس نافرمانی خدا و رسول خدا کند و از حدود و احکام الهی تجاوز نماید، خداوند او را به آتش درافکند که همیشه در آن خواهد ماند و همواره در عذاب خوارکننده خواهد بود» (نساء: ۱۴). با عنایت به همین اصل فراگیر امام خمینی (ره) اعلام می‌کند: «مبارزه باید توأم با تربیت صحیح و توجه به معنویات و عمل به احکام اسلام باشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۰۳). بررسی سیره عملی امام خمینی (ره) در مبارزه با رژیم پهلوی این حقیقت را در اختیار می‌گذارد که وی در آغاز تلاش می‌کند با نصیحت، خیرخواهی و

نرم‌خویی، سردمداران رژیم را متوجه رعایت اسلام و حقوق اساسی مردم کند، همان شیوه‌ای که خداوند از پیامبران خود موسی و هارون می‌خواهد که در مواجهه اولیه با فرعون با زبان نرم با او سخن گفته و او را به راه خدا بازگردانند: «اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ به‌سوی فرعون بروید که طغیان نموده پس با او با نرمی و آرامی سخن بگویید باشد که متذکر شود یا از خداوند بترسد» (طه: ۴۳ و ۴۴). براساس همین شیوه قرآنی، امام خمینی (ره) در نخستین مکاتبه مستقیم با شاه که در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۱۷ در اعتراض به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی انجام گرفته است، با زبان نرم و رعایت احترامات متعارف از وی می‌خواهد که تصویب‌نامه مذکور را که برخلاف مصالح کشور، احکام دین مبین اسلام و آرامش جامعه است، ملغی نماید (صحیفه امام، ج ۱: ۷۸). امام در مکاتبه دوم با شاه نیز که در ۱۳۴۱/۸/۱۵ انجام گرفته، همین مشی را ادامه داده است (همان: ۸۸ و ۸۹). امام همین شیوه را در مکاتبه با اسدالله علم نخست‌وزیر وقت نیز رعایت کرده‌اند (همان: ۹۰). پس از آنکه این شیوه مؤثر واقع نشد، امام وارد مرحله جدیدی از مبارزه می‌شوند، یعنی مبارزه مستقیم با شیوه افشاگری، اعتراض، آگاه کردن و تهییج مردم. با وجود این، امام هیچ‌گاه حتی تا آخرین روزهای مبارزه ورود به مشی مبارزه مسلحانه را تجویز نکرده و بر این باور بودند که نیازی به چنین مبارزه‌ای نیست (همان، ج ۳: ۵۱۴؛ ج ۴: ۲۵۰، ۲۹۴، ۳۱۴، ۳۳۱، ۳۵۴ و ...). توجه به روش‌های اسلامی مبارزه سبب شده است که امام خمینی (ره) در هیچ شرایطی اتحاد با مارکسیست‌ها و گروه‌های منحرف و فرقه‌های ضاله را در مبارزه با رژیم پهلوی تجویز نکرده و همواره از مردم مسلمان بخواهند که به چنین اتحادی نیندیشند (همان، ج ۳: ۲۰۴ و ۳۷۱). مبنای قرآنی این روش آیاتی است که فقط ولایت مؤمنان را بر مؤمنان تشریح کرده (توبه: ۷۱) یا فقط مؤمنان را برادران همدیگر شمرده است (حجرات: ۱۰). بی‌تردید براساس آیات یادشده، در مشی اسلامی مبارزه نمی‌توان با افراد و گروه‌هایی متحد شد که در اساس به اسلام و قرآن ایمان نداشته و به حدود و مرزهای تعیین‌شده الهی و همچنین محتوای اسلامی مبارزه التزام ندارند.

در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)، آرمان و هدف نهایی مبارزه نیز برآمده از اسلام است و آن حاکمیت دین خدا (اسلام ناب) بر جامعه اسلامی است. امام خمینی (ره)، پس از برشمردن اهداف اولیه مبارزه شامل ۱. عزل شاه از حکومت، ۲. برچیدن نظام سلطنتی و ۳. قطع سلطه آمریکا، انگلیس و شوروی از کشور، در تشریح مقصد نهایی مبارزه چنین می‌گوید: «مقصد اعلی عبارت از این است که یک حکومت عدلی، یک حکومت اسلامی عدلی مبتنی بر قواعد اسلامی حاصل بشود آن مقصد اعلای ماست» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۴). قرآن کریم با صراحت کامل در خصوص انحصار حق قانونگذاری به خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف: ۴۰)، حکم (وضع قانون) فقط از آن خداوند است. قرآن کریم در سه آیه از سوره

مأده، افرادی را که قانون خدا را نادیده گرفته، قوانین دیگر را جایگزین آن کنند، «کافر»، «ظالم» و «فاسق» شمرده است (ر.ک: مانده: ۴۴، ۴۵ و ۴۷). التزام عملی به این آیات نتیجه‌ای جز پیگیری حاکمیت دین خدا بر جامعه اسلامی (هم در عرصه اداره جامعه، هم در عرصه قانونگذاری و هم در عرصه قضاوت) و به تعبیر دیگر حکومت اسلامی مبتنی بر قواعد اسلامی نخواهد داشت، یعنی همان هدف اعلائی که امام خمینی (ره) در مبارزه به‌صراحت از آن سخن گفته‌اند. امام خمینی (ره)، در بیانی دیگر با تکیه بر اصل توحید که شاهبیت آیات قرآن کریم است، به اثبات حاکمیت و حکومت اسلامی که همان مقصد نهایی مبارزه با طاغوت است، پرداخته‌اند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۸۷).

۳. توأم با آگاهی و شناخت

در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)، یکی از ویژگی‌های اصلی مبارزه شناخت و آگاهی است. پیچیدگی‌ها، ظرافت‌ها و فرازوفرودهای گوناگون مبارزه از یک سو و ارتباط آن با اموال، نفوس و اعراض شهروندان جامعه از سوی دیگر و همچنین برخورداری جبهه مقابل از انواع ابزارهای مقابله و از جمله زر، زور، تزویر و پشتوانه استکباری از جانب سوم، آگاهی و شناخت همه‌جانبه از ابعاد گوناگون مبارزه به‌ویژه هدف، روش و محتوای مبارزه را ضروری می‌سازد. از آنجا که چنین شناخت گسترده‌ای در گرو شناخت دقیق اسلام و مقتضیات عصر مبارزه است، امام به‌صراحت اعلام می‌کند: «مؤثرترین مبارزه با اجنبی مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت است» (همان، ج ۳: ۳۲۷). در نگاه قرآن کریم نقش اصلی پیامبران الهی آگاهی‌بخشی به انسان و هدایت آنان به صراط مستقیم الهی بوده است. قرآن این حقیقت را در قالب آیات متعددی به‌صراحت اعلام می‌کند: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...؛ هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا حقایق را برای آنان تبیین نماید» (ابراهیم: ۴). «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ به حقیقت ما پیامبران خود را با ادله و معجزات روشن (به‌سوی مردمان) فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم به قسط و عدالت قیام کنند» (حدید: ۲۵). «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ و قرآن را بر تو (پیامبر اسلام) نازل کردیم تا برای مردم آنچه را بر آنان نازل شده است بیان نمایی و باشد که بیندیشند» (نحل: ۴۴). آیات بسیاری بر همین حقیقت تأکید دارند (ر.ک: مانده: ۱۹؛ نحل: ۶۴؛ جمعه: ۲ و آیات دیگر).

امام خمینی (ره) که پیش از گام نهادن به مرحله مبارزه مستقیم با رژیم پهلوی، اسلام‌شناسی جامع و فقیه‌ی مسلط بر ابعاد گوناگون شریعت اسلامی بود، افزون‌بر اینکه خود با

شناخت دقیق و همه‌جانبه ابعاد گوناگون اسلام و وضعیت عصر خویش، مبارزه را آغاز کرد، همواره بر این نکته حساس نیز تأکید می‌ورزید که همه مسلمانان به‌ویژه مردم مسلمان ایران باید نسبت به اسلام ناب و آموزه‌های اصیل و بنیادی کتاب و سنت آگاهی یابند و این‌گونه مبارزه آغاز می‌شود و در مسیر صحیح خود قرار می‌گیرد؛ «مسلمین باید بیدار بشوند. مسلمین باید از سیره انبیاء و خصوصاً مسلمین از سیره پیغمبر اکرم (ص) باید مطالعه کنند، ببینند چه کرده است و ما باید تاسی کنیم. ... (پیامبر اکرم) از همان اول که آمده است در مکه مشغول مبارزه بوده است ... مسلمین باید تاسی کنند به او که چه کرد، ما هم باید آن کار را بکنیم» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۴۱۲). در راستای تحقق این مهم امام همواره از عالمان و مبلغان دین می‌خواستند که در معرفی صحیح اسلام به مردم مسلمان تلاش کنند و اجازه ندهند حقیقت و ماهیت اسلام ناب در غبار تبلیغات ضد‌دین استعمارگران مخفی بماند (همان، ۱۳۹۰: ۱۱). امام خمینی (ره)، از عالمان و مبلغان مسئولیت‌شناس اسلام دعوت می‌کنند که در مقابل تبلیغات ضداسلامی استعمارگران و ایادی داخلی آنان گرفتار انفعال نشده و به معرفی صحیح اسلام ناب همت گمارند: «همان‌طور که آنها بر ضد شما اسلام را بد معرفی کرده‌اند، شما اسلام را آن‌طور که هست معرفی کنید؛ ولایت را چنانکه هست معرفی کنید. ... مبارزه در راه تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت است» (همان: ۲۱). امام خمینی (ره) با تکیه بر شناخت عمیق و همه‌جانبه از اسلام ناب بر این باور بنیادی پای می‌فشردند که اسلام ناب مکتبی است که هم به مؤمنان راستین مبارزه با طاغوت، ظلم، فساد و تبعیض را می‌آموزد و هم چگونگی بنای یک جامعه سالم، مترقی و پیشرو را (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۲۱). در نگاه امام، اسلام ناب در آموزه‌ها و آداب و سنن متعلق به عصر قدیم خلاصه نمی‌شود تا در نگاه برخی سطحی‌نگران از پاسخگویی به نیازهای معرفتی و معیشتی انسان عصر جدید ناتوان باشد، بلکه همه آنچه مورد نیاز انسان این عصر است نیز در آموزه‌های اصیل اسلام ناب قابل دسترسی است (همان، ج ۱۰: ۹۴). بر همین اساس، امام خمینی (ره) بر معرفی صحیح و شفاف اسلام ناب به توده‌های مسلمان تأکید می‌ورزند (همان، ج ۱: ۱۶۲)، زیرا انسان مسلمان اگر به شناخت صحیح و بی‌پیرایه از اسلام دست یابد، در این صورت مبارزه را بخش مهمی از مسئولیت‌های مذهبی خود دانسته و به آن جامعه عمل می‌پوشاند (همان، ج ۵: ۱۸۸؛ ج ۱: ۱۵۷ و ۱۵۸).

۴. مردمی بودن

در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مردمی بودن مبارزه از ارکان اصلی آن به‌شمار می‌آید، زیرا امام به‌درستی بر این حقیقت آگاه بودند که تا شهروندان یک جامعه از سر آگاهی و مسئولیت‌شناسی نخواهند و دست به اقدام لازم نزنند، تغییری در جامعه امکان‌پذیر نخواهد

بود. به همین دلیل در آغازین روزهای مبارزه با اینکه امام به صراحت از سختی و صعب‌العبور بودن راه مبارزه سخن می‌گوید، بر این نکته نیز تأکید می‌ورزد که با بیدار ساختن مردم این راه هموار خواهد شد، زیرا در این صورت این خود مردم‌اند که در مقابل رژیم قرار خواهند گرفت و هیچ سلاحی نمی‌تواند آنان را از پای درآورد؛ «ما اگر بتوانیم در مقابل این دسیسه و توطئه‌های شاه، فقط مردم را بیدار و آگاه سازیم و نگذاریم که گول بخورند و تحت تأثیر برنامه فریبنده او قرار بگیرند، حتماً او را با شکست مواجه خواهیم ساخت ... بزرگ‌ترین کاری که از ما ساخته است بیدار کردن و متوجه ساختن مردم است؛ آن وقت خواهید دید که دارای چه نیروی عظیمی خواهیم بود که زوال‌ناپذیر است و توپ و تانک هم حریف آن نمی‌شود» (همان، ج ۱: ۱۳۴).

امام با اصالت دادن به مردم در مبارزه با طاغوت، بر این نکته تأکید می‌ورزند که در مقابله بین یک ملت و یک رژیم طاغوتی آنکه قطعاً تن به شکست و زوال می‌دهد، رژیم است نه مردم (همان: ۱۵۱). امام خمینی (ره) با تأکید بر اهمیت رکن مردمی مبارزه، عالمان دین را به سیره پیامبر اکرم (ص) متذکر می‌سازد که با تحمل رنج‌های بسیار یکه و تنها به معرفی و تبلیغ اسلام در میان مردم پرداختند و آنگاه مردم بودند که در متن مبارزه علیه شرک و بت‌پرستی حضور یافتند و اسلام، حاکمیت اسلامی و تمدن جهانی اسلام را پدید آوردند (همان، ج ۲: ۲۹ و ۳۰). چنین نگاهی به محوریت مردم در مبارزه نیز برخاسته از نص صریح قرآن کریم است؛ آنجا که قرآن بعثت پیامبران الهی را همراه با ادله و معجزات روشن و کتاب و میزان به هدف قیام مردم برای برپایی عدالت و قسط عنوان کرده است (حدید: ۲۵). قرآن کریم در آیه‌ای دیگر به صراحت اعلام می‌کند که این مردم و شهروندان جوامع هستند که با همت و تلاش خود وضعیت جوامع را تغییر می‌دهند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).

امام خمینی (ره) با تکیه بر آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْحَقُّ» (سبأ: ۴۶)، تکلیف الهی مبارزه را متوجه همه مؤمنان دانسته (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۰۸) نه فقط اشخاص معینی. به همین سبب هیچ‌کس حق ندارد از نقش مردمی مبارزه صرف‌نظر کرده و این وظیفه همگانی را به گروه یا اشخاص معینی محدود سازد. در نگاه امام مردم در مبارزه علیه رژیم طاغوت به این فرمان قرآنی عمل کرده و موظف‌اند در این راه استقامت کنند، زیرا استقامت در این راه نیز فرمان قرآن است؛ «ثُمَّ مَلَّتْ قِيَامُ كَرْدِيدٍ ... امر اول را که فرموده‌اند قیام کنید برای خدا اطاعت کردید، باقی مانده است امر دوم: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُمْ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ» (هود: ۱۱۲) استقامت کنید، این قیام را حفظ کنید» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۴۹۴). در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره)، محوریت مردم فقط محدود به زمان مبارزه نیست، بلکه پس از به بار نشستن مبارزه باز این مردم مسلمان هستند که بر مبنای باورهای اسلامی خود نوع نظام سیاسی و

متولیان امور کشور را تعیین می‌کنند. انعکاس این نگاه بنیادی را هم می‌توان در قدیمی‌ترین آثار علمی امام یافت (ر.ک: کشف‌اسرار: ۱۸۵ و ۱۸۶) و هم در آثار بعدی ایشان (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۵۱۲؛ ج ۱۶: ۴۹۱؛ ج ۱۸: ۳۷۸ و ۳۷۹؛ ج ۲۱: ۳۷۱ و ...).

۵. سازماندهی و نظام‌مندی

بی‌گمان مبارزه سیاسی به دلیل پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های فراوان، بدون سازمان معین و نظام تعریف‌شده‌ای به سامان نمی‌رسد و به نتایج مورد نظر دست نمی‌یابد. این حقیقت نیز در الگوی مبارزه سیاسی امام خمینی (ره) با رژیم پهلوی به‌دقت مورد توجه وی بوده است؛ به همین سبب امام از همان آغاز به‌روشنی اعلام می‌کنند که این مبارزه مردمی باید براساس یک نظام و سازمان معین انجام گیرد و حوزه علمیه قم که نخستین جرقه‌های قیام را نواخته است، باید در ایجاد نظام و سازمان لازم برای سراسر کشور اقدام کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۹۴). براساس همین باور، امام خمینی (ره) در نخستین گام مبارزه که در مخالفت با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی صورت گرفته است، پیش از هر اقدامی علمای تراز اول قم را به‌منظور تبادل‌نظر و اخذ تصمیم مقتضی به نشست فوری فرا می‌خواند و در نشستی که با حضور وی، آیات گلپایگانی، شریعتمداری و به میزبانی آیت‌الله شیخ مرتضی حائری، در منزل آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی برگزار می‌شود، دورنمای اقدام شاه و دولت و نقشه‌های طاغوت در انزوای اسلام، روحانیت و حوزه‌ها و به فساد کشاندن زنان و جامعه اسلامی را به‌روشنی به تصویر می‌کشد (روحانی، همان، ج ۱: ۱۷۲). در پی همین نشست و تصمیمات اتخاذشده در آن، امام خمینی (ره) نخستین گام مبارزه را در قالب ارسال تلگرامی صریح به شاه برمی‌دارد (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۸). از جمله تصمیمات اتخاذشده در همین نشست، برگزاری نشست‌های مشابه هفتگی برای رصد وضعیت کشور و ایجاد وحدت نظر میان علمای تراز اول در موضوع مبارزه و همچنین ارسال نامه‌ها و پیام‌هایی به‌منظور روشن کردن فضای سیاسی حاکم بر کشور برای علمای مقیم شهرستان‌ها بوده است (روحانی، همان: ۱۷۲ و ۱۷۴). مطالعه مشی سیاسی امام خمینی (ره) در مبارزه با رژیم پهلوی این حقیقت را به‌روشنی در اختیار می‌گذارد که وی همواره بر ضرورت وجود سازمان و ساختار کارآمد در مبارزه تأکید کرده و خود نیز به آن پایبند بوده است.

بر پایه همین ضرورت، امام از علمای دین در سراسر کشور می‌خواهد که به‌عنوان محور مبارزه، اجتماعات دینی خود را حفظ کرده و از مردم مسلمان می‌خواهد بر گرد این محور اجتماع، و از دستورهای عالمان دین پیروی کنند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۰۷). یادآوری اهمیت ماه محرم و بهره‌مندی صحیح از آن به مبلغان دینی، ارسال نامه برای وعظ و اهل منبر، اعزام

مبلغان توانا به نقاط کشور (همان: ۱۹۴ و ۲۳۲)، درخواست از ذاکران اهل بیت (ع) برای گنجاندن مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت در نوحه‌ها و سینه‌زنی‌ها (همان: ۲۳۰) و درخواست انتشار نشریاتی به‌منظور تبیین و پشتیبانی از مقاصد اسلامی مبارزه (همان: ۲۲۰)، همگی از اقداماتی است که امام خمینی (ره) به‌منظور انسجام‌بخشی به مبارزه با رژیم پهلوی انجام داده‌اند.

امام، در موضوع ضرورت وجود سازمان و نظام‌مندی در مبارزه با الگو قرار دادن مبارزه حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفایش با دستگاه طاغوتی یزید، افزون‌بر اینکه بر ضرورت نظام‌مندی مبارزه تأکید می‌ورزد، به‌روشنی از ماهیت دینی مبارزه با رژیم پهلوی نیز پرده برمی‌دارد: «حضرت سیدالشهداء از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و ... کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چطور باشد» (همان، ج ۱۷: ۵۶).

مبنای قرآنی ضرورت سازماندهی و نظام‌مندی مؤمنان در کلیه امور و از جمله مبارزه سیاسی آیات متعددی است که وجوب اطاعت و تبعیت مؤمنان از رسول اکرم (ص) (نساء: ۸۰ آل‌عمران: ۳۲ و ۱۳۲) و اولی‌الأمر (نساء: ۵۹) را اعلام کرده‌اند؛ همچنین آیاتی که مؤمنان را اولیای همدیگر (توبه: ۷۱؛ انفال: ۷۲) دانسته یا آنکه مؤمنان را به وحدت و برادری فراخوانده‌اند (آل‌عمران: ۱۰۳). قرآن کریم در آیه ذیل نمونه‌ای از نظام‌مندی و انسجام سازمانی را توسط مؤمنان به نمایش گذاشته است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا إِنْ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور: ۶۲). این آیه مؤمنان را فقط کسانی می‌داند که به خدا و رسول او ایمان داشته و آنگاه که در کار جمعی در معیت رسول خدا حضور دارند خودسری نمی‌کنند، بلکه امور خود را با اذن و اجازه وی به انجام می‌رسانند. اگرچه مورد نزول آیه شریفه امور نظامی است، با توجه به عمومیت لفظ «امر جامع» [=کار جمعی] می‌توان آیه را به کلیه اموری که در آنها به اجتماع مؤمنان بر محور رهبری نیاز است، تعمیم داد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق.ج، ۱۵: ۱۶۶). از سوی دیگر، آیه شریفه معیت با رسول خدا، یعنی رهبر الهی را از شرایط قرار گرفتن فرد در شمار مؤمنان واقعی شمرده و این مطلب حاوی نکات مهمی در نظام‌مندی مؤمنان است، از جمله اینکه مؤمنان واقعی در امور اجتماعی خود فقط بر گرد رهبری که از مشروعیت الهی برخوردار است، اجتماع می‌کنند و به همه لوازم معیت با چنین رهبری ملتزم‌اند و هرگز دست به خودسری نمی‌زنند. در آیه بعد، خداوند متذکر این نکته حساس می‌شود که معیت با رسول منهای التزام عملی به فرمان‌های او به فتنه و

هرج و مرج اجتماعی و عذاب سخت الهی منجر خواهد شد (نور: ۶۳). امام خمینی (ره) با تکیه بر برخی از آیات قرآن کریم (مانده: ۵۶؛ مجادله: ۲۲)، از سازمان و نظام موجود در میان مؤمنانی که با رژیم پهلوی به مبارزه برخاسته‌اند، به «حزب‌الله» یاد کرده و در توصیف این حزب می‌گویند: «هر مسلمانی که موازین و اصول اسلام را پذیرفته است و در اعمال و رفتار از انضباط دقیق شیعی برخوردار است، یک عضو از اعضای حزب‌الله است و تمامی دستورهای این حزب و خط‌مشی آن را قرآن و اسلام بیان کرده است. این حزب غیر از حزب‌های متداول امروز دنیاست. امروز مردم ایران در هر سنی که هستند از زن و مرد، که با شعارهای اسلامی مبارزه می‌کنند جزء حزب‌الله هستند» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۰۸).

نتیجه

مبارزه سیاسی که فصل مهمی از حیات پربار امام خمینی (ره) را به خود اختصاص داده، در اندیشه نظری و سیره عملی وی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که از کنار هم قرار دادن و صورت‌بندی دقیق آنها می‌توان به الگوی متمایزی از مبارزه سیاسی منطبق بر آموزه‌های صریح قرآن کریم دست یافت. در این الگوی قرآنی، مبارزه سیاسی آنگاه مشروع و مجاز است که از ماهیت «قیام‌الله» برخوردار باشد و در آن انگیزه دیگری دخالت نداشته باشد. چنین مبارزه‌ای در شمار تکالیف الهی مؤمنان قرار دارد و در محتوا، روش‌ها و اهداف، تابع آموزه‌های اصیل اسلام است. مبارزه با چنین ماهیتی از آغاز تا انجام با آگاهی و شناخت توأم است و منهای آن، ماهیت اصیل خود را از دست می‌دهد. چنین مبارزه‌ای آنگاه که جامعه اسلامی در معرض ظلم، فساد، سلطه بیگانگان، حاکمیت طاغوت یا اسلام ناب در خطر نابودی یا تحریف و انحراف قرار گیرند، از وظایف دینی مسلمانان شمرده می‌شود و به همین سبب به معنای واقعی کلمه مبارزه‌ای مردمی است که از باورهای بنیادین و ایمان دینی آنان برمی‌خیزد. در الگوی قرآنی مبارزه، با اینکه عموم شهروندان جامعه اسلامی حضوری مؤثر و نقش‌آفرین دارند، هیچ‌گاه انسجام، سازمان و نظام‌مندی مبارزه مخدوش نمی‌شود و به هرج و مرج اجتماعی میل پیدا نمی‌کند، زیرا مبارزه با ماهیت «قیام‌الله» بر محور رهبری برخوردار از مشروعیت الهی به سامان می‌رسد و همین ویژگی سبب می‌شود که عموم شهروندان مسلمان و حتی غیرمسلمان به اذن رهبری مشروع در جایگاه خاص خود قرار گیرند و در همان جایگاه به ایفای نقش بپردازند. بی‌تردید مبارزه سیاسی با چنین ماهیت و ویژگی‌هایی، فقط می‌تواند براساس باور به آموزه‌های قرآن کریم و اسلام ناب خلق شود و به سامان برسد. دقت در ویژگی‌های مذکور این نتیجه مهم را در اختیار می‌گذارد که مبارزه سیاسی براساس این الگو هیچ‌گاه نمی‌تواند با شکست مواجه شود، زیرا آنچه برای شرکت‌کنندگان در آن اصل به‌شمار

می‌آید، انجام تکلیف الهی است و در انجام تکالیف الهی، موفقیت در گرو حصول نتیجه ظاهری نیست. بر این اساس در صورتی که مبارزه‌ای با این ویژگی‌ها به سامان برسد، حتی اگر به نتایج ظاهری متعارف دست نیابد یا آنکه همه شرکت‌کنندگان در آن در مصاف با دشمنان به شهادت برسند، آن مبارزه عملی مشروع و موفق شمرده می‌شود.

امام خمینی (ره) که شاگرد راستین مکتب قرآن و اسلام ناب و از عمق جان مؤمن به آموزه‌های وحی آسمانی بوده‌اند، در دوره مبارزه سیاسی خود با رژیم پهلوی، این الگوی بی‌بدیل قرآنی را مبنای قیام خود و ملت ایران قرار دادند و این‌گونه در کمال بهت، حیرت و ناباوری سیاستمداران و اندیشمندان سیاسی جهان انقلاب اسلامی ایران پدید آمد و بر بخش عمده‌ای از معادلات سیاسی جهان معاصر پرتو افکند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۳ق). تبیین القرآن، بیروت: دارالعلوم، ج دوم.
۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). ره، رهرو، رهبر، به کوشش مهدی مطهری، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۴. خمینی موسوی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. ----- (۱۳۷۴). جهاد اکبر، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج چهارم.
۶. ----- (۱۳۹۰). ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج بیست و چهارم.
۷. ----- (بی‌تا). کشف اسرار، تهران: نشر ظفر.
۸. رجبی، محمدحسین (۱۳۷۷). زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. روحانی، سید حمید (بی‌تا). نهضت امام خمینی، دفتر اول، تهران: بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ج نوزدهم.
۱۰. شبر، عبدالله (۱۳۸۵ق-۱۹۶۶م). تفسیر شبر، تحقیق حامد حنفی داد، مصر: نجاج، ج سوم.
۱۱. کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۴). ولایت فقیه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: نشر معارف.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج بیست و هفتم.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان، قم: انتشارات اسلامی، ج پنجم.
۱۴. انصاری، حمید (۱۳۸۰). حدیث بیداری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. لکزایی، نجف (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.